

فصل اول

الدیریج تایلر^۱ مشغول رانندگی در جاده‌ی دولاینه‌ی طویل و مستقیمی در نبراسکا بود که تلفن همراهش زنگ خورد. نزدیک غروب بود. داشت بعد از خریدن کفش برای نوه‌اش او را به خانه می‌برد. ماشینش سیلورادو^۲ دوکابینه‌ای به رنگ روزنامه‌ای بود که یک روز از چاپش می‌گذرد. دخترک به پشت روی صندلی کوچک عقب دراز کشیده بود. خواب نبود. کاملاً بیدار دراز کشیده و پاهایش را بالا گرفته بود. با نگاهی مجنوب به کتونی‌های سفید بزرگی که نیم متر بالاتر از صورتش در هوا تکان می‌خوردند زل زده بود. با دهانش صداهای عجیبی از خودش درمی‌آورد. هشت سالش بود. تایلر با خودش فکر می‌کرد که حتماً از آن بچه‌هایی است که دیر رشد می‌کنند.

تلفن تایلر به اندازه‌ای ابتدایی بود که نمی‌شد به آن پیشرفت‌هه گفت، ولی در حدی پیچیده بود که زنگ خورهای مختلفی برای شماره‌های مختلف داشته باشد. بیشترشان آهنگ پیش‌فرض تولیدکننده را می‌زندند، ولی چهارتایشان روی آهنگی با صدای کم با حالتی اضطراری بودند که ترکیبی از آژیر ماشین آتش‌نشانی و بوق الکتریکی زیردریایی بودند؛ و صدایی که تایلر نزدیک غروب در جاده‌ی دولاینه‌ی طویل و مستقیم نبراسکا، در فاصله‌ی ده کیلومتری فروشگاه عمده‌فروشی از جنوب و سی کیلومتری خانه از شمال شنید همین صدا بود؛ بنابراین تلفن را از روی کنسول برداشت و دکمه‌ی مکالمه را زد و آن را در گوشش گرفت و گفت: «بله؟»

1. Eldridge Tyler

2. Silverado